

<div><div><span><span></span></span></div><span><b>ویژه</b></span></div>
یکشنبه ۲۷ خرداد ۱۴۰۳ ● شماره ۸۴۸۸
از تسخیر گجرات تا فتح مکرر انتخابات سراسری هند
گزارش
وصال روحانی
<div><span>روزنامه‌نگار</span></div>

حالا که ناندرنا مودی یک بار دیگر با کسب اکثریت آرای پارلمانی در انتخاباتِ اخیر هند به پیست ریاست دولت منصوب شده، زمان آن رسیده که برخی سیاست‌گذاری‌های پنهانی و انحصارطلبانه او عیان شود و از مقاصد اصلی او سخن به میان آید.

«مودی» از همان زمانی که در ایالت گجرات به قدرت رسیدی و این زامداری را به ۱۴ سال رساند، کوشید از ملی‌گرایی افراطی حاکم بر منطقه که هندوها را در رأس همه امور قرار می‌دهد، در بیشترین حد استفاده کند و با این سیاست، پایه‌های حکومت خود را نیز استحکام بخشد. امروز که حزب «بهارتیا جاناتا» با هدایت وی برنده تقریباً مطلق انتخابات پارلمانی هند شده (که مثل معمول بسیار طولاتی بود و ۶ هفته طول کشید) او باید در مورد مسائل مهمی توضیح بدهد که این پیروزی را تسهیل و قربای اصلی وی را زمینگیر کرد. در پیشواز انتخابات، حساب‌های مالی حزب «کنگره» که در سنوات اخیر رقیب اصلی «بهارتیا جاناتا» بوده، از سوی وزارت کشور هند فریز و ضبط شد و چند رقیب سیاسی عمده دیگر مودی هم که می‌توانستند برای او درسرساز باشند، یازداشت و به تبع آن از مسیر انتخابات خارج شدند. «اکار پاتل» مدیر ارشد شاخه هند سازمان «عفو بین‌المللی» نیز از رویکردهای توأم با دسیسه‌ای سخن گفته است که مودی و همکارانش در پیش گرفتند تا هر نیرو و نهاد طالب دموکراسی را مأیوس و از روند حضوری مؤثر در انتخابات دور کنند. به گفته پاتل، نیروهای امنیتی به شکل‌های مختلف به فعالان سیاسی و نهادهای مستقل مانند روزنامه‌نگاران، دانشجویان و نظریه‌پردازان غیروابسته سیاسی را هم از تهاجم‌های خود بی‌نصب نگذاشتند و در نهایت فضایی را به وجود آوردند که در آن پیروزی یکی از احزاب مخالف مودی تبدیل به فرایندی غیرممکن شود. با این اوصاف، «مودی» یک بار دیگر هندوهای افراطی را در موضعی قرار داد که سیاست‌سازان اصلی هند در شرایط کنونی و آینده نزدیک بمانند.

**او سرش را به آن سومی‌گرد**

ایده‌های ضد اسلامی مودی و تلاش او برای ترسیم یک ملت دهرسرساز از امت مسلمان، رویکردی تازه از سوی نخست‌وزیر پرودام سال‌های اخیر هند نیست و او به کرات مسلمانان را افرادی آتش افروز توصیف کرده که برای رسیدن به مقاصد خویش از هیچ خشونت‌ی دریغ نمی‌ورزند. این در حالی است که دست‌کم در ۲۵ سال اخیر مسلمانان هند بیشترین لطمات را از بابت تندروی‌های مودی و حزب وی در عرصه سیاست هند متحمل شده و بارها مورد تهاجم‌های تند فیزیکی و اتهام‌زنی‌های بی‌پایه گامی هندوها قرار گرفته‌اند و مودی هم سرش را به آن سوی گرفته‌تا خودش را به ندیدن بداند. شاید برای بسیاری از حکومت‌های جهان و سایر مردم دنیا به ثبت رسیدن سومین پیروزی متوالی برای مودی در انتخابات هند آنقدر مهم و مسأله‌ساز نباشد اما آنها که از واقعات وجودی مودی و جنس اندیشه‌های او مطلع‌اند، معتقد هستند استمرار حضور او در پست ریاست دولت هند



## مودی؛ «سلطان» جریانات حاکم

### گزارش

### وصال روحانی

روزنامه‌نگار

مسلمانان بود که قربانیان زیادی را روی دست آنها گذاشت . بدتر از همه این بود که هندوها با تکیه بر واقعه تصادف قطار و مرگ «هم‌کیش»‌های خود این حق را برای خود قائل بودند که به هر مسلمانی بپازند و اگر هم آن مسلمان کشته می‌شد، هندوها از اینکه تحت پیگرد قضایی قرار نمی‌گیرند، اطمینان خاطر داشتند. کار به جایی کشید که بی‌سابقه‌ترین برخوردها بین هندوها و مسلمانان در چند ایالت هند شکل گرفت و کانون این بحران‌ها باز گجرات بود. آنجا که قریب به دو هزار مسلمان به شهادت رسیدند و حتی مغازه‌ها و کسب و کارهایی که اسم و ظاهری هندووار را برای خود برگزیده بودند تا‌آماج حملات قرار نگیرند وریشه‌کن نشوند، لو‌رفتند و در جریان هجوم هندوها به آتش کشیده شدند. در این میان پلیس فقط تماشا می‌کرد و قدمی به سود مظلومان مسلمان برمی‌داشت و چون مطمئن بود که برنده این رویارویی‌ها هندوهای افراطی هستند، به بهانه‌های واهی حتی از ورود به عرصه و جدا کردن دو گروه از یکدیگر ایا داشت. از همان زمان بر کل مردم هند و البته ناظران جهانی مشخص و محرز شد که دولت هند سمت و سویی کاملاً جهت‌گرایانه به سود هندوها دارد و دست آنها را تا آنجایی که مربوط به برخورد‌هایشان با مسلمانان می‌شود، کاملاً باز می‌گذارد.

**طرف‌ظالم‌ها را بگیر تا پیروز شوی!**

شدت گرفتن منازعاتی از این‌دست و سرکوب شدن مسلمانان سبب شد برخی کشورهای غربی مودی را محکوم به پایمال کردن حقوق بشر و از ورود وی به خاک خود جلوگیری کنند و حتی آمریکا و انگلیس هم برای حفظ ظاهر و با هدف متریقی جلوه دادن خویش، مودی را بابت سرکوب مسلمانان شمامت کردند اما با گذشت هر روز و با قدرت گرفتن هر چه فزون‌تر هندوها در کردیروهای سیاسی کشورشان، محبوبیت ناندرنا مودی نیز سیر صعودی گرفت. او پراساس این رویکردها و به بهانه ضروری بودن یک انتخابات عاجل برای تعیین تکلیف هند، به عنوان سر‌وزیر گجرات از وزارت کشور هند درخواست کرد انتخابات سراسری را جلو بیازدند تا دهلی نو و بمبئی بیش از این به ورطه تندروی‌ها فرو نیفتند و هند به کانون جدید آشوب‌های آسیا تبدیل نشود. کاملاً بدیهی بود که مودی برنده این انتخابات خواهد شد و بر اثر آن به پیست نخست‌وزیری هند می‌رسد زیرا همسویی توأم با سکوت وی با هندوهای سرگوبگر سبب شده بود این قشر او را نماینده نخست خویش بینگازند. مودی هم دریافت که از

این پس رجحان‌های مذهبی و راهبردی قومی برترین سلاح‌ها برای فتح انتخابات سیاسی است و برای جلوس بر بالاترین مسندهای حکومتی نیازی به مهارت‌آموزی‌های فراوان در همین وادی نیست و فقط کافی است بدانید که از هر حزب و هر رویکرد و هر دسته‌ای چه وقت و در کدام راستا باید دفاع کرد و با کدامین جریانات همسو شد. این چنین بود که پشت کردن به مسلمانان مظلوم و کمک‌رسانی به هندوها برای کسب کرسی‌های ایالتی در هر کوی و برزن تبدیل به سلاجی‌کاری‌های بی‌پایه گامی هندوها قرار گرفته‌اند و مودی هم سرش را به آن سوی گرفته‌تا خودش را به ندیدن بداند. شاید برای بسیاری از حکومت‌های جهان و سایر مردم دنیا به ثبت رسیدن سومین پیروزی متوالی برای مودی در انتخابات هند آنقدر مهم و مسأله‌ساز نباشد اما آنها که از واقعات وجودی مودی و جنس اندیشه‌های او مطلع‌اند، معتقد هستند استمرار حضور او در پست ریاست دولت هند

### گزارش

### مهدی تبریزی

کارشناس مسائل روسیه

۵ ژوئن (۱۶ خرداد) را باید نقطه عطفی در تاریخ جنگ‌های نیابتی جهان بدانیم. جایی که ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه در حاشیه نشست اقتصادی سنت‌پترزبورگ و دیدار با سران برخی از بزرگ‌ترین خبرگزاری‌های جهان از استراتژی جدید سیاست خارجی روسیه در تقابل با کشورهای تأمین‌کننده سلاح اوکراین پرده برداشت. ولادیمیر پوتین در این دیدار به صراحت اعلام کرد تأمین سلاح‌هایی با دقت بالا برای اوکراین به‌منظور حملات هدفمند به خاک روسیه از نظر کمترین مشارکت مستقیم غرب در درگیری‌ها محسوب می‌شود و این مسیر می‌تواند «مشکلات جدی» را برای غرب جمعی به‌همراه داشته باشد. رئیس جمهور روسیه اعلام کرد اگر ببینیم که این کشورها به جنگ علیه ما کشیده شده و مشارکت مستقیم در جنگ علیه فدراسیون روسیه دارند، در این صورت ما این حق را برای خود محفوظ می‌داریم که به روشی مشابه عمل کنیم و در واقع به دنبال پاسخی نامتقارن باشیم. وی افزود اگر دولتی این امکان را دارد که چنین سلاح‌هایی به اوکراین منتقل کند، پس ما این حق را برای خود قائل هستیم که سلاح‌هایی را در همان کلاس به مناطقی که در حال جنگ با کشورهای غربی هستند، عرضه کنیم.

صادر کرد تا جهان را به مرز جنگ جهانی

سوم و یک جنگ هسته‌ای نزدیک کند. پس از تصمیم مسکو روند تحریک‌آمیز متحدان کی‌یف در هفته‌های قبل همچنان با شدت ادامه یافت به نوعی که فرانسه با اِزام مستشاران و مربیان نظامی از خطوط قریز تعیین شده روسیه برای دخالت نیروهای ثالث گذر کرد و انگلستان با ارسال موشک‌های STROM SHADOW فرانسه و ایالات متحده به‌عنوان اصلی‌ترین تأمین‌کنندگان سلاح و تجهیزات نظامی اوکراین به‌منظور جلوگیری از شکست‌های زنجیره‌ای که می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری در ادامه نبرد برای زلنسکی و حامیان غربی وی در پی داشته باشد، دست به ریسک بزرگی زده و تصمیم گرفتند این اجازه را به کی‌یف بدهند تا از تسلیحات و موشک‌های برد بلند آنان برای هدف قراردادن نقاطی در داخل خاک روسیه استفاده کند. هرچند این تصمیم با محدودیت‌های عملیاتی از سوی متحدین کی‌یف همراه بوده ولی تأثیر بزرگی بر تشدید درگیری‌ها و اقدامات طرف روسی برجای گذاشت.

چندین هفته قبل ایالات متحده با انتقال موشک‌های برد بلند ATACMS این چراغ سبز را به کی‌یف نشان داده بود که می‌تواند برخی نقاط را در داخل خاک روسیه مورد هدف قرار دهد، کرملین در پاسخ به تهدید اوکراین را تشریح کرد. وی به صراحت اعلام کرد از این پس روسیه این حق را برای خود محفوظ

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا

چرا (۷ اکتبر) با واقعات منطقه همخوانی داشت؟

## اسرار طوفان

### گزارش

### علیرضا حجتی

دبیر گروه جهان

«طوفان الاقصی نیاز مهم منطقه بود»؛ این جمله از ارشدترین مقام ایران، به شکل گسترده‌ای در سطح بین‌المللی بازتاب پیدا کرده است. برای ناظرانی که به تاریخ خاورمیانه می‌نگرند و تحولات این منطقه از جهان را دنبال می‌کنند این گزاره که عملیات طوفان الاقصی «واکنشی واقع‌گرایانه» و یک «حساس نیاز فوری» به اتفاقات پیشینی و پسینی فلسطین و غرب آسیا بوده و منطبق با واقعیت‌های موجود، نه یک شگفتی است و نه یک پدیده غامض. (۷ اکتبر» اگرچه جهان را غافلگیر کرد و تبدیل به نقطه عطف تاریخی شد که زمان را به قبل و بعد از خود تقسیم می‌کند، اما هفت اکتبر در لحظه متولد نشد، طی چند دهه و در بیستر تاریخ تلاش برای حذف فلسطین بتدریج رشد کرده بود تا موعده طغیان و طوفان در برابر این «انکار بی‌سابقه» فرارسد.

**انتخاب یا اضطرار؟**

بنابراین مبارزان فلسطینی در هفت اکتبر ۲۰۲۳، کاری را انجام دادند که دلایل و زمینه‌های فلسطینی‌داشت و از آن مهم‌تر، خواست فلسطینی را پشتوانه خود می‌دید. ۸ ماه قبل مردم فلسطین نه با یک «انتخاب» که در برابر یک «اضطرار» قرار داشتند. موضوع فلسطین در حال حذف شدن از صحنه روزگار بود و فلسطینی‌ها در غزه و کرانه باختری کم‌کم داشتند زندانیان فراموش شده تاریخ لقب می‌گرفتند: جدال بر سر مرگ و زندگی بود. برای اثبات این گزاره کافی است به برخی از تحولات پیشاطوفان الاقصی رجوع کرد. بنیامین نتانیاهو ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۳ درست ۱۵ روز قبل از طوفان الاقصی در مجمع عمومی سازمان ملل گفت: «ببینید! فلسطینی‌ها تنها ۱۰درصد از جهان عرب هستند! وقتی آنها ببینند که ۹۸ درصد کشورهای عربی خود را با دولت یهودآتش داده‌اند، احتمال بیشتری دارد که راه صلح واقعی را در پیش بگیرند. فلسطینی‌ها توانه‌اند از صلح گسترده‌تر بهره‌مند شوند.» او رهبر لیکود این حملات صلح‌طلبانه را هم‌زمان با در دست داشتن نقشه‌ای از

می‌داند که سلاح‌های پیشرفته روسی را در اختیار کشورها و یا گروه‌هایی قرار دهد که نقطه مشترک آنها فا‌رغ از اعتقادات سیاسی، مذهبی و یا شناسایی از سوی سازمان‌های بین‌المللی، دشمنی با «ایالات متحده» و شرکای غربی آن است. دشمنان ایالات متحده دوستان ما هستند. وی افزود اجازه دهید ایالات متحده و متحدانش اکنون نطم استفاده مستقیم از تسلیحات روسیه توسط اشخاص ثالث را احساس کنند. مدودف در ادامه اعلام کرد استفاده از سلاح‌های روسی از سوی نیروهای ثالث به حد کافی برای کشورهای غربی مخرب خواهد بود و ما از این امر خوشحال هستیم.

اما اولین نکته‌ای که پس از اعلام سیاست‌های جدید نظامی و امنیتی کرملین به ذهن خطور می‌کند این است که کدام کشورها و گروه‌ها میزبانان سلاح‌های روسی خواهند بود؟

نکته مهمی که باید در ابتدا به آن اشاره کرد، این است که با توجه به روند سیاسی حاکم بر کرملین، زمانی که ولادیمیرپوتین گذاره‌ای را مطرح می‌کند، مطمئناً مدمات اجرایی آن از قبل فراهم شده است. تصمیمات گرفته‌شده و توافقات حاصل شده و در سرتیروهای مختلف خطرات اقدام متقابل نیز محاسبه شده است. بخصوص که باید این نکته را در نظر داشت وقتی صحبت از سلاح‌های هم کلاس، روسی به میان می‌آید نه تنها به پرسنل، بلکه به زیرساخت‌های مناسب



# پاسخ کرملین به غرب:

برای استقرار و نگهداری آنها نیاز است. از همین رو می‌توان گفت که سلاح‌های روسی در حال حاضر در مناطق مورد نظر و در اختیار کشورها و یا گروه‌های مورد نظر مسکو قرار گرفته است و تنها منتظر ساعت صفر عملیات قرار دارند.

**گزینه‌های مورد نظر روس‌ها کدام مناطق می‌توانند باشند؟**

در نگاه نخست باید این را مدنظر قرار داد که پیگیری این استراتژی از سوی مسکو می‌تواند یک خبر ناخوشایند برای ایالات متحده باشد زیرا ارتش آمریکا به‌عنوان اهدافی ثابت در بخش‌های گسترده‌ای از دنیا بخصوص خاورمیانه مستقر است و این موضوع می‌تواند نگرانی‌های بیشماری را از هرگونه اقدام نامتقارن روس‌ها به وجود آورد.

مطمئناً پس از اعلام سیاست جنگ نیابتی از سوی سران کرملین، اولین گزینه‌ای که در اذهان بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران به دلیل سطح بالایی از تنش و درگیری با نیروهای امریکایی متبادر می‌شود، «حوتی‌های یمن» یا همان نیروهای «انصارالله یمن» هستند که در حال حاضر بالاترین سطح درگیری و تنش را با ارتش و منافع آمریکا در منطقه دریای سرخ دارند. مطمئناً موشک‌های پیشرفته روسی می‌توانند در ادامه نبرد انصارالله با کشتی‌های جنگی ائتلاف غربی و یا جنگنده‌هایی که مناطق مختلف یمن را مورد حمله

فلسطین «ختراس صدساله اخیر» است!

این صهیونیست افراطی پادش این دروغ هولناک و تهدید جنون‌وار» را با تشویق و کف‌زدن‌های پرشور هم‌قطارانش گرفت. از فدای اعراسه ۱۹۴۸، عادی‌سازی، راهبرد کلان متفقین دیرپوزی و اتحاد فرآتالنتیکی امروزی به‌رهبری ایالات متحده آمریکا بوده است - طرح عادی‌سازی از آغاز از دو مسیر موازی حرکت کرده است: عادی‌کردن یک رژیم یاعنی برای اعراب و از طرف دیگر عادی‌سازی حذف فلسطین در دل و ذهن ملت‌ها و دولت‌های منطقه غرب آسیا. ولی خطوط موازی هیچگاه به هم نمی‌رسند!

پروژه عادی‌سازی همچنین برای تثبیت اسرائیل در منطقه‌ای ناسازگار با موجودیت اختراقی «دولت یهود» شکل گرفته است. هدف دیگر ایالات متحده و شرکای یعنی تضمین برتری و استیلای رژیم صهیونیستی بر کل منطقه، غرب آسیا را تا همین امروز تبدیل به کانون آشوب کرده و موجب تحمیل هزینه‌های سنگین برپرازیگران تأثیرگذار این منازعه قرن شده است.

به همین خاطر جنگ‌های غرب آسیا از زمان تحمیل اسرائیل به منطقه، به نبرد طولانی برای تغییر در نقشه جغرافیای کشورهای منطقه و ژئوپلیتیک خاورمیانه میل پیدا کرد. جنگ پیش‌دستانه و شش روزه ۱۹۶۷ با اشغال صحرای سینپای مصر و بلندی‌های جنوب لبنان با حمله نظامی رژیم صهیونیستی به این کشور در سال ۱۹۸۲ اشغال صحرای سینپای مصر و بلندی‌های جنوب لبنان با حمله نظامی رژیم صهیونیستی به این کشور در سال ۲۰۰۶ اسرائیل با مقاومت لبنان و در وصف کشتار غیرنظامیان به بار کرد حکایت همین طراحی ایالات متحده و متحد غربی و شرکای سنتنی غربی برای منطقه حداقل از فدای ۱۱ سپتامبر۲۰۰۱ است.



منطقه غرب آسیا هم پیاده‌سازی کنند. از آغاز هزاره سوم میلادی «بالکانیزه» کردن خاورمیانه و تجزیه کشورهای منطقه با هدف برتری محض اسرائیل در آسیای غربی زمینه‌های یک شرکات ویژه غربی-عبری را پایه‌گذاری کرد.

**سقط چنین خاورمیانه جدید!**

این سیاست از سال ۲۰۰۰ یا یکدوازده‌ه‌ه‌ایی چون «خاورمیانه بزرگ» یا «خاورمیانه جدید» آغاز به کار کرد. در این میان حادثه یازده سپتامبر در نقش «کاتالیزور» عمل کرد و به تسریع این طرح کمک بسیاری کرد. اشغال افغانستان، عراق و تجمیع چندده هزار نظامی امریکایی با انباشت بی‌سابقه‌ای از تسلیحات در منطقه، یک فرصت طلایی پیش روی رژیم صهیونیستی و اجرای طرح «خاورمیانه جدید» توسط ایالات متحده آمریکا فراهم کرده بود. آنچه ما در اینجا می‌بینیم، «در زایمان» یک خاورمیانه جدید است و هرکاری که انجام می‌دهیم، باید مطمئن باشیم که به سمت خاورمیانه جدید پیش می‌رویم، این‌ه‌که به قدیم بازرگیم.» این عبارت بی‌رحمانه کاندولیزرا رئیس وزیر خارجه وقت آمریکا که در کشاکش جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ اسرائیل با مقاومت لبنان و در وصف کشتار غیرنظامیان به بار کرد حکایت همین طراحی ایالات متحده و متحد غربی و شرکای سنتنی غربی برای منطقه حداقل از فدای ۱۱ سپتامبر۲۰۰۱ است.